



شهرید معین حیدری

سرهنک نیروی زمینی ارتش که در حمله آمریکایی - صهیونی در فروردین ۱۴۰۵ در اصفهان به شهادت رسید.



صدای ایران

ویژه دفاع مقدس مردم ایران

در برابر آمریکا و رژیم صهیونی

روزنامه ایران تریز KHAMENEI.IR

شنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۵

رسانه رهبر انقلاب @RahbarengheLab

این را همه باید بدانند باذن الله تعالی ما حتماً مدیریت تنگه هرمز را به مرحله جدیدی وارد خواهیم نمود. ۱۴۰۵/۱/۲۰



نقطه عطف تغییر نظم جهانی

ورود مدیریت تنگه هرمز به مرحله جدید

سرمقاله

شاید کنار هم قرار گرفتن واژه های «اقتصاد» و «سلاح» کمی نامأنوس باشد، اما واقعیت دنیای امروز این است که کشورهای قدرتمند از ابزارهای اقتصادی به مثابه سلاح استفاده می کنند. نیکلاس مولدر در کتاب «سلاح اقتصادی: برآمدن تحریم ها به عنوان ابزاری از جنگ مدرن» خاستگاه «سلاح اقتصادی» را به تجربه ی جنگ جهانی اول بازمی گرداند؛ یعنی تجربه ای که در آن بریتانیا و فرانسه با ایجاد سازوکار محاصره، جنگ اقتصادی سازمان یافته ای را علیه آلمان، اتریش - مجارستان و امپراتوری عثمانی پیش بردند. او معتقد است همین تجربه به سیاستمداران بین المللی پس از جنگ این ایده را داد که می توان همان فشار را از «وضعیت جنگ» به «وضعیت صلح» منتقل کرد. در جهان کنونی و البته تا پیش از جنگ تحمیلی سوم علیه مردم ایران، ایالات متحده و چین دو کشوری بودند که با فاصله ای قابل توجه از سایر کشورها توان استفاده از ابزار «سلاح اقتصادی» را داشتند و البته این آمریکا بود که بیش از همه از این سلاح استفاده کرد. جیسون داگلاس - رئیس دفتر وال استریت ژورنال در توکیو - در یادداشت اخیر خود توضیح داده است که ایالات متحده مدت هاست با استفاده از نظام مالی مبتنی بر دلار،

افراد، شرکت ها و دولت ها را تحریم می کند. همین طور از سلطه خود بر فناوری نیمه ساناها برای محدود کردن توان نظامی چین و مهار جاه طلبی های پکن برای پیشی گرفتن از آمریکا به عنوان بزرگ ترین اقتصاد و قدرت فناوری جهان بهره برده است. او در ادامه نوشت: چین نیز از کنترل تقریباً کامل خود بر منابع عناصر نادر حاکی به عنوان اهرم فشار استفاده می کند، مواد معدنی ای که در تولید جنگنده ها تا تلفن های هوشمند نقش حیاتی دارند. پکن از این زنجیره تأمین برای فشار بر صنایع آمریکایی و کاهش تعرفه ها و محدودیت های تجاری دوران ترامپ استفاده کرد. به اعتراف داگلاس در وال استریت ژورنال، ایران با بهره برداری از این گلوگاه اقتصادی (یعنی تنگه ی هرمز) در سواحل خود در واقع همان مسیر قدرت هایی چون آمریکا و چین را دنبال می کند؛ کشورهایی که سال هاست از برتری خود در حوزه های کلیدی تجارت جهانی برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی شان بهره گرفته اند. واقعیت این است که ایران، امروز یکی از سه قدرتی است که امکان استفاده از سلاح اقتصادی - با این سطح از تأثیر - را دارند. رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله سید مجتبی

خامنه ای «حفظه الله» اسفندماه ۱۴۰۴ در نخستین پیام خود بر استفاده از «اهرم مسدود کردن تنگه ی هرمز» تأکید کردند. ایشان همچنین بیستم فروردین ماه در پیام خود به مناسبت چهلمین روز شهادت قائد عظیم الشان انقلاب «قدس الله نفسه الزکیه» فرمودند: «این را همه باید بدانند باذن الله تعالی ما حتماً متجاوزین تبهکاری که کشور ما را مورد حمله قرار دادند را رها نمی کنیم. حتماً غرامت تک تک صدمات وارد شده و خون بهای شهیدان و دیده جانبازان این جنگ را طلب خواهیم کرد و حتماً مدیریت تنگه هرمز را به مرحله جدیدی وارد خواهیم نمود.» در این چهل روز، ایران برای اولین بار سلاح اقتصادی خود را به کار گرفت: استفاده از اهرم مسدود کردن تنگه ی هرمز در دوران جنگ و همچنین ورود مدیریت آن به مرحله ای جدید در دوران سکوت صحنه ی نبرد نظامی. به گفته اندرو کاپیس ترانو، پژوهشگر مؤسسه ژئواکونومیکس در توکیو «برای آن که بتوانید بگویید چیزی را که ما نیاز داریم قطع نکن"، باید توان آن را داشته باشید که بگویید "من هم می توانم چیزی را که تو نیاز داری قطع کنم."» بنابراین توان مدیریت نوین ایران بر تنگه ی هرمز عملاً به ایران سلاحی قوی تر

از سلاح هسته ای داده است. ایالات متحده با دروغ مقابله با ساخت سلاح هسته ای وارد نبرد با ایران شد اما در نهایت ایران را وادار کرد توانایی بالقوه ی استفاده از تنگه ی هرمز به مثابه سلاح اقتصادی را به فعلیت برساند. رخدادی که عملاً همان طور که کاپیس ترانو گفته، تحریم اقتصادی علیه ملت ایران را خنثی خواهد کرد. به کتاب «سلاح اقتصادی: برآمدن تحریم ها به عنوان ابزاری از جنگ مدرن» بازگردیم. نویسنده در این کتاب از عبارت «سلاح اقتصادی مثبت» نیز استفاده می کند؛ عبارتی که به معنای استفاده از اقتصاد برای ساختن ائتلاف، حفاظت از دولت های هدف تجاوز و تبدیل قدرت اقتصادی به ابزار امنیت جمعی است. بنابراین مدیریت نوین تنگه ی هرمز، علاوه بر تنبیه متجاوز نظامی و اقتصادی، از این پس ابزاری برای حمایت از کشورهای تحت ستم منطقه نیز خواهد بود. ایران از این سلاح برای مبارزه با ظلم و استکبار و برای حمایت از مردم منطقه استفاده خواهد کرد. واقعیت این است که جغرافیای اقتصادی منطقه پس از جنگ تحمیلی سوم وارد مرحله ای جدید شده است. دیگر به نظم پیشین بازخواهیم گشت. ■



صمضان بودویک محرم شد، کربلایی ترین حکایت شد. جان جانان و قائد امت، جان فدایی ترین امت شد. روزها مان بدون صحبت بار، روزگار غم و مصیبت شد. روز باران رسید و بعثت شد، بعثت این بار، سهم امت شد. امت اعجاز کرد و ذکر همه، یا

لثارت یا شهادت شد. نازل آمد دوباره سوره فتح، عزت و نصرمان بشارت شد. امت این بار خود علم بردوش، خود علمدار و خود سقایت شد. کار بالا گرفت و کارزار نبرد، بین فرعونیان و امت شد. سهم ما نصرت است و پیروزی، سهم دشمن شکست و ذلت شد.

آخرین صحبت یک هموطن ایرانی خطاب به رهبر شهید انقلاب اسلامی

تحلیل

پیش شرط صلح جهانی

«میدل ایست آی» در گزارشی نوشته اگر پس از جنگ عراق، جورج بوش و تونی بلر مورد محاکمه و مجازات قرار می گرفتند، احتمالاً مسیر بسیاری از بحران های بعدی از جمله جنگ با ایران اتفاق نمی افتاد. این مسئله بازتاب یک واقعیت ساختاری در نظام بین الملل است: فقدان پاسخگویی، خود به بازتولید خشونت مشروعیت می بخشد. تجربه عراق نشان داد وقتی جنگی، بدون هزینه حقوقی و سیاسی برای طراحانش به پایان می رسد، این پیام به سایر بازیگران منتقل می شود که توسل به زور همچنان گزینه ای کم هزینه و قابل تکرار است. به همین دلیل، همان الگوری می توان در غزه و در سیاست های تهاجمی علیه ایران مشاهده کرد؛ جایی که تصمیم گیران بدون ترس از محاکمه و با اطمینان از مصونیت عمل کرده اند. اگر قرار است صلح جهانی از شعار به واقعیت تبدیل شود، چاره ای جز بازگرداندن اصل پاسخگویی به مرکز نظم بین المللی وجود ندارد. چهره هایی مانند نتانیا هو و ترامپ باید به دلیل نقش شان در ارتکاب جنایت جنگی در غزه و ایران مورد پیگرد و مجازات قرار گیرند. در غیر این صورت، تداوم مصونیت آنان نه تنها به تکرار این الگو دامن می زند، بلکه زمینه ساز جنگ های بیشتر و دورتر شدن صلح از دسترس خواهد شد.

قاب

نشان نصب شده بر روی لباس مذاکره کنندگان ایرانی

هیئت مذاکره کننده ایرانی با ابتکار عمل های رسانه ای وارد اسلام آباد شد. از جمله اینکه اسم این هیئت «میناب ۱۶۸» انتخاب شد، و بر روی لباس دکتر قالیباف، رئیس هیئت مذاکره کننده ایرانی، نشان تصویر رهبران انقلاب اسلامی نصب شده است.



راد یونگار

۱۰ اشتباه محاسباتی بزرگ

بطور کلی سطحی از اشتباهات در جنگ ها و نبردهای نظامی وجود دارد که می تواند هزینه هایی محدود و مشخص را بر یک طرف جنگ، به واسطه ی خودش وارد سازد. اما از سوی دیگر برخی از اشتباهات که تحت عنوان «اشتباهات محاسباتی» از آن یاد می شود، در سطح راهبردی دسته بندی میشوند و عواقب آن می تواند نتیجه جنگ و طرف پیروز و طرف شکست خورده جنگ را تعیین کنند. به طور خلاصه میتوان اشتباهات محاسباتی آمریکا و رژیم صهیونی در جنگ افروزی علیه ملت ایران را در ۱۰ مورد زیر دسته بندی کرد: ۱. تصور فروپاشی نظام جمهوری اسلامی با ترور حضرت آیت الله خامنه ای ۲. مقاومت حداکثر یک هفته ای و سپس تسلیم ملت ایران ۳. امکان براندازی از طریق «بمباران از آسمان و شورش در خیابان» ۴. تحت کنترل قرار گرفتن کامل و آسان آسمان ایران ۵. پاسخ محدود و کنترل شده ایران به طرف مقابل ۶. عدم وجود هرگونه تصویری نسبت به انسداد تنگه هرمز ۷. تصور امکان تأثیرگذاری بر فرایند انتخاب رهبر بعدی ۸. تأثیر ناپذیری اقتصاد دنیا از حمله به ایران ۹. این همانی و تشبیه شرایط و موقعیت ایران به ونزوئلا ۱۰. تصور اینکه آمریکا هروقت اراده کند میتواند جنگ را پایان دهد. این ۱۰ اشتباه بزرگ، شکست واضح دشمن را در جنگ ۴۰ روزه اخیر رقم زد.